هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

نخستین هفته دوران تمدیدنا مشروع ریاست جمهوری حامد کرزی آغاز گردید ص۲

برای چه کسی رأی بدهیم؟ ص۳

روز معلم مبارک ص۵

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ ششم ۲ جوزا ۱۳۸۸-۲۸ جمادی الأول ۱۴۳۰ –
23 May 2009

نماینده گان تمدید کار رئیس جمهور را غیر قانونی خواندند

برخی از نماینده گان پارلمان که شمار شان به هفتاد نفر می رسد، با صدور یک اعلامیه ادامه کار رئیس جمهور کرزی را بعد از اول جوزا غیرقانونی می دانند.

این نماینده گان ولسی جرگهگفته اند بربنیاد ماده شصت ویکم قانون اساسی، کار رئیس جمهورکرزی پس از اول جوزا به پایان می رسد.

بعد از اینکه کمیسیون مستقل انتخابات، زمان برگزاری انتخابات را سه ماه به تعویق انداخت، دادگاه عالی کشور با پخش یک اعلامیه ای، دوره کار رئیس جمهور را برای سه ماه دیگر تمدید نمود.

علی احمد جبرئیلی، نماینده مردم هرات در پارلمان کشور می گوید "ادامه کار رئیس جمهور کودتاهی در برابر قانون اساسی کشور است."

این نماینده گان می گویند که به جامعه جهانی نیز اعلام خواهند کرد که تا احراهات رئیس جمهور کرزی و معاونان وی پس از اول جوزا به نماینده گی از ملت و دولت افغانستان مشروعیت ندارد.

درهمین حال برخی دیگر ازنماینده گان از ادامه کار رئیس جمهور کرزی پس از اول ماه جوزا حمایت میکنند.



گردهمایی بزرگ در حمایت از داکتر عبدالله

ص۸

عجبه ده فراه ته د کرزی سفر!

ص۳

پنځلس زره پاکستاني پوځ د پنځه زره طالبانو سره په جګړه کې

دامریکا دغه سخاوتمندانه مرسته که دپاکستان دهیواد سره د هغوې له هغه درې نیم میلیونه ډالرو مرستې سره پرتله شې چې پدغه هیواد کې څلور کلونه مخکې د راغلې زلزلې ځخه وروسته یې تردامهاله ورسره په غیرنظامې ډګرونو کې کړې ده نو دابه په ډاګه کړي چې امریکا څومره له جګړوسره مینه لري؟!

***

پاکستاني پوځونه پداسې وخت کې دا ادعاء ګانې کوي د سیمې لپاره د امریکا لخوا د نوې اعلان شوې استراتیژۍ له مخې د امریکا مرستې دپاکستانسره په نظامې ډګر کې په سخاوتمندانه توګه شوي دي کوم کارچې ددغه هیواد ملکي او نظامې چارواکي یوځل بیا دې تصریحاتو ته اړکړي چې دترهګرو ترځپلو پورې د دوې عملیات روان وي چې په همدې منظور دوه ورځې مخکې یوسف رضا ګیلاني ددغه هیوادصدراعظم او اشفاق کیاني د دغه هیواد داردومشر دهغوجلا جلا غونډو مشري وکړه چې دترهګرۍ! پرخلاف رواني جګړې دښه تنظیم اوهم په بیځایه شووخلکو باندې دمرستو دویشلو دښه تنظیم لپاره دایري شوې وي

پاتې ۶ مخ

شعارهای عملی ناشدهٔ عمران و بازسازی

ولایات امن کشور که در آن ها هزینه پیاده کردن پروژه های عمرانی مساعد است، کاملاً فراموش شده است امادر برخی ولایات جنگ زده، صد ها میلیون دالر مصرف می کنند و دوباره توسط مخالفان تخریب می شود

ص۶

اشاره به: ناکامی های حکومت کرزی در عرصهٔ اقتصادی

ص۲

دوشاه و یک اقلیم

ابوبکر سبزوار

سناتور باراک اوباما در جریان مبارزات انتخابات ریاست جمهوری امریکا، موضوع افغانستان را از محور های اصلی سیاست خارجی خود عنوان کرد و از بازنگری عمیق در سیاست های کاربردی امریکا در این رابطه در صورت رسیدن به قدرت سخن گفت. در همان موقع مشخص شد که اگر اوباما به ریاست جمهوری امریکا برسد، قصر سفید مانند دوران بوش در مورد افغانستان بدون یک استراتژی از قبل تعیین شده عمل نخواهد کرد. **ادامه در ص۵**





مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
موسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیات تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

نخستین هفتهٔ دوران تمدید نا مشروع ریاست جمهوری حامد کرزی آغاز گردید

طبق ماده شصت ویکم قانون اساسی حکومت آقای کرزی می بایست قبل از اول جوزای سال روان، انتخابات شفاف وعادلانه را برگزار می کرد ودر اول جوزا زمینه انتقال قدرت را به رئیس جمهور منتخب جدید مساعد می ساخت.

اما حکومت آقای کرزی با بهانه ها ودسیسه های مختلف انتخابات را در زمان معین آن برگزار نکرد و آن را به تاخیر افگند، گذشته از این آقای کرزی دوران ریاست جمهوری خویش را تاچند ماه دیگر تمدید نمود.

کسی تردیدی ندارد که برخلاف بهانه هایی که از طرف حکومت اعلان شده، هدف عمده از تمدید، تضمین انتخاب مجدد آقای کرزی برای یک دوره پنج ساله دیگر است.

لازم بود جریان های سیاسی و جامعهٔ مدنی افغانستان در برابر نقض های آشکار قانون اساسی به ویژه تمدید ریاست جمهوری واکنش مناسب و مقتضی نشان می دادند و اعتراض شدید خویش را ابراز می نمودند، اما متاسفانه چنین اقدامی اتفاق نیفتاد.

عدم واکنش به موقع و جدی در برابر خود سری ها و قانون شکنی های حکومت، این توهم را در ذهن دولتمردان به میان می آوردکه زیرپاگذاشتن قانون اساسی و ادامه اقتدار به صورت غیرقانونی، حتی برقراری استبداد و حاکمیت خودکامه، مقاومتی بر نخواهد انگیخت و جامعه ناگزیر آن را خواهد پذیرفت.

این توهم، اشتباه آشکاربوده باعث غفلت زمامداران می شود و کشور را بسوی آشفتگی و بحران می راند.

شاید مردم در برابر هر خلاف کاری و اقدام نادرست حاکمیت، واکنش فوری و آنی نشان ندهند، اما بدون تردید نارضایتی ها و بی اعتمادی های زیادی را ایجاد خواهدکرد و روزی بحران آفرین خواهد شد.

جامعه چون دریای بی کرانه است که هر باد وکنشی نمی تواند با شتاب امواج آن را به حرکت در آورد، اما کنش ها و فشارهای متراکم شده روزی آن را به تلاتم و توفندگی خواهند رساند که دیگر به زودی و آسانی آرام نخواهد گرفت.

جامعه ما از سی سال پیشتر به این سو بر اثر اشتباهات جبران ناپذیر دست گاه حاکم وقت، دچار تلاطم شده است و با گذشت این همه سال هنوزهم تا آرامش کامل فاصله زیادی دارد. حتا ثقل جامعه جهانی هم نتوانسته است آن را آرام سازد.

چرا زمامداران ما همیشه اشتباهات پیشینیان را تکرار می کنند و از آن درسی نمی آموزند؟

اشاره یی به ناکامی های حکومت کرزی در عرصهٔ اقتصادی

حدود هشت سال از سرنگونی رژیم طالبان و برقراری نظام جدید می گذرد. در این دوران در کنار سایر نارسائی ها که بیشتر ناشی از ناکارآمدی و ضعف مدیریت در حکومت آقای کرزی بود، بی برنامگی این حکومت در بخش اقتصادی بدترین شرایط را بر مردم ما تحمیل کرد.

پس از بمیان آمدن اداره‌ء جدید در میان مردم افغانستان سوال اساسی این بود که اکنون که جامعه‌ء جهانی برای کمک به افغانستان سخاوتمندانه اعلام آمادگی کرده است، استراتژی دولت افغانستان برای بهبود وضع اقتصادی این کشور بیرون آمده از دهها سال جنگ چیست؟

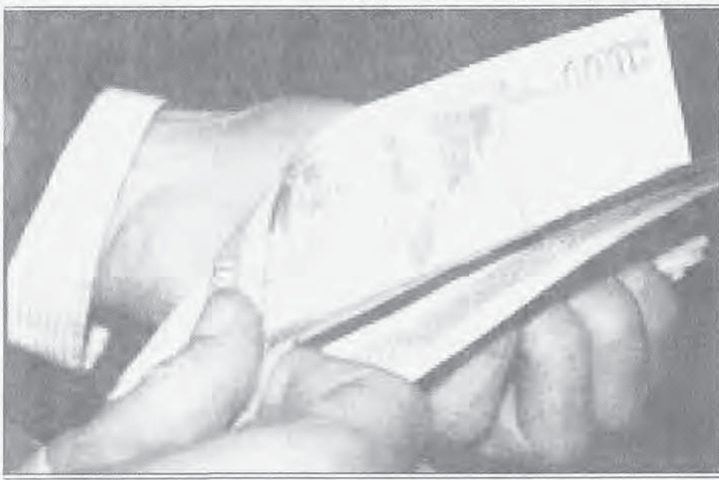
جنگ های طولانی موجب ویرانی کامل زیربناهای اقتصادی کشور شده بود و کاملا طبیعی بود که دولت باید با طرح یک استراتژی متنی انکشاف اقتصادی اولویت های اقتصادی در کشور را برجسته می ساخت با کشور های کمک کننده در این زمینه بصورت جدی به بحث می پرداخت.

دولت همیشه برای توجیه ناکارآمدی خود در هر بخش، عقیه‌ء دهها سال جنگ را در مشکلات و نابسامانی های امروز موثر می داند. مردم از این دولت انتظار نداشت تا تکنالوژی اتومی ویا کارخانه های تولیدی که با تکنالوژی نهایت پیشرفته کار می کنند را به این کشور بیاورد که نیازمند کارگران کارآزموده و آموزش دیده است بلکه دولت باید طرح هائی را در اولویت قرار می داد تا برای اکثریت مردم در کوتاه ترین مدت مطابق به شرایط کشور فرصت های شغلی فراهم می شد. سرمایه گذاری در بخش های زود ثمر می توانست موجب بهبود وضع اقتصادی مردم در کوتاه مدت گردیده و امکان بازگشت ناامنی ها به کشور را بگیرد.

از آنجاسی که بیش از هشتاد درصد از نیروی کار فعال در کشور در سکتور زراعت مشغول کار بودند، باید به این سکتور زیربنائی توجه جدی صورت می گرفت تا اکثریت مردم کشور که در روستا ها زندگی می کنند، شاهد تغییر در وضع زندگی شان می بودند. از آنجائیکه بستر ناامنی ها در طول دهها سال در این کشور روستاها بوده است، باید چهره‌ء روستاها تغییر می کرد. این اولویت نهایت اساسی بود اما به آن توجهی نشد.

بصورت کلی دولتی که جانشین امارت اسلامی طالبان شد به اندازه‌ء دولت سلف خویش فاقد استراتژی اقتصادی برای بهبود وضع در کشور بود.

وزارت زراعت در دوران بیش از هفت سال گذشته در افغانستان یکی از کم کار ترین وزارت خانه ها بود در حالیکه نخستین ضرورت هر انسان برای ادامه‌ء حیات بعد از هوا غذاست. ما برای تامین نیاز های اولیه‌ء مردم خود همه ساله به ارزش صدها ملیون دالر مواد غذائی از کشور همسایه پاکستان وارد



این وضع نابسامان اقتصادی و بنیه‌ء نهایت ضعیف تولیدات داخلی موجب رشد فعالیت های تجارت خارجی گردیده است زیرا تجارت دست آورد های زودثمر دارد و کمتر مواجه با قبول خطر است. اما در این رابطه هم مشکلات زیاد وجود دارد. اگر دیروز در مسیر راههای مواصلاتی پاتک سالاران از موتر های حامل اموال تجارتی باج می گرفتند امروز پاتک سالاران رسمی با یونیفورم پولیس همین کار را می کنند.

می کنیم. وابستگی اقتصادی ما به پاکستان موجب گردیده تا حتی اعتصاب رانندگان در پاکستان هم بالای قیمت مواد غذائی در افغانستان تاثیر بگذارد.

این بی برنامگی در بخش اقتصادی یکی از عوامل مهم بازگشت جنگ و ناامنی در کشور بشمار می آید. اگر در یک ولسوالی یک کانال یا یک بندآبگردان اعمار می شد و به دهقان تخم اصلاح شده‌ء بذری و کود کیماوی توزیع می گردید، اگر از این طریق یک قرص نان در سفره‌ء وی اضافه می شد، او خود از تاسیساتی که مستقیما به بهبود وضع اقتصادی اش کمک کرده بود دفاع می کرد و اجازه نمی داد تا کسانی این تاسیسات را ویران کنند.

این بی برنامگی در بخش اقتصادی یکی از عوامل مهم بازگشت جنگ و ناامنی در کشور بشمار می آید. اگر در یک ولسوالی یک کانال یا یک بندآبگردان اعمار می شد و به دهقان تخم اصلاح شده‌ء بذری و کود کیماوی توزیع می گردید، اگر از این طریق یک قرص نان در سفره‌ء وی اضافه می شد، او خود از تاسیساتی که مستقیما به بهبود وضع اقتصادی اش کمک کرده بود دفاع می کرد و اجازه نمی داد تا کسانی این تاسیسات را ویران کنند.

بی اعتنائی به این بخش مهم زندگی مردم موجب شد تا گروههای کثیری از روستانشینان از روستاها به شهرها مهاجرت کنند و تراکم نفوس در شهر ها موجب بروز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گردد.

در سکتور صنعت نیز کارنامه‌ء این دولت واقعا افتضاح است. در ابتدا به سرمایه گذاران داخلی وخارجی وعده‌ء هرنوع کمک برای سرمایه گذاری داده شد اما تفسیر غلط متخصصین و دست اندرکاران کم سواد در امور اقتصادی از نظام اقتصاد بازار موجب گردید تا تولیدات نوپای داخلی در برابر هجوم سیل اجناس مشابه که از خارج و با قیمت کمتر وارد می شد قادر به رقابت نباشد. استدلال دست اندرکاران در برابر این معضله استناد به قانون اساسی بود که هرنوع مداخله‌ء دولت در امور اقتصادی را مانع می شود.

این وضع موجب گردید تا از میزان سرمایه گذاری در آغاز رشد صعودی داشت کاسته شود و هزاران کارخانه و کارگاه تولیدی یا از کار بازمانند ویا با ظرفیت کمتر به فعالیت بپردازند. از جانب دیگر ناکامی دولت در امر تامین امنیت برای سرمایه گذاران موجب شد تا اختطاف ها و اخاذی ها اوج بگیرد و باعث کاهش سرمایه گذاری و تشبث خصوصی در کشور گردد.

این وضع نابسامان اقتصادی و بنیه‌ء نهایت ضعیف تولیدات داخلی موجب رشد فعالیت های تجارت خارجی گردیده است زیرا تجارت دست آورد های زودثمر دارد و کمتر مواجه با قبول خطر است. اما در این رابطه هم مشکلات زیاد وجود دارد. اگر دیروز در مسیر راههای مواصلاتی پاتک سالاران از موتر های حامل اموال تجارتی باج می گرفتند امروز پاتک سالاران رسمی با یونیفورم پولیس همین کار را می کنند. یک موتر حامل اموال تجارتی تا از سرحد به مرکز افغانستان می رسد باید برعلاوه‌ء محصول گمرکی، مقدار هنگفتی باج به پاتک سالاران دولتی بپردازند. تاجر نیز این مصارف را بر قیمت جنس افزود می نماید و از جیب مردمان بی بضاعت این مرز وبوم دوباره بدست می آورد.

آیا جای حیرت و تعجب نیست وقتی آقای کرزی می گوید که من خود را مجددا کاندید کرده ام تا به مردم خود خدمت کنم؟

برای چه کسی رأی بدهیم؟

هابیل



برای کسی رای بدهیم که منافع و مصالح علیای کشور و مردم را فدای قدرت طلبی و مصلحت های شخصی و خانوادگی نمی سازد. برای کسی رای بدهیم که شکم گرسنهٔ کودکان ما را سیربسازد. نه برای آن کسی که به زبان ما حرف بزند اما درد گرسنگی و برهنگی فرزندان ما را درک نکند

با نزدیک شدن زمان برگزاری انتخابات این سوال در ذهن هر رأی دهندهٔ ایجاد می شود که برای کدام نامزد رای بدهند.

تاهنوز برنامه های نامزدان ریاست جمهوری در اختیار مردم گذاشته نشده تا دانسته شود که کدام نامزدان قابلیت و شایستگی انتخاب شدن را دارند.

انتخاب رئیس جمهور مهمترین موضوع برای مردم و کشور دانسته می شود و لازم است دقت زیاد صورت گیرد و برای کسی رای بدهیم که که اطمینان حاصل کنیم، وی می تواند شرایط بهتر زندگی برای شهروندان به میان بیاورد و بحران و دشواری هایی را که اکنون کشورما با آن روبروست حل نماید.

درقدم نخست لازم است درک درستی از بحران ها ومشکلات داشته باشیم. و سپس ببینیم که کدام نامزد طرح درستی برای حل آن ها دارد کشور ما اکنون با سه مشکل و بحران بسیار جدی روبرو است، جنگ ونبود امنیت بحران عمده درکشور است، هشت سال پیش که اداره طالبان سرنگون گردید، مردم به آینده امیدوارشدند و فضای تقریبا صلح آمیزی برکشور حاکم گردید، اما درنتیجه اشتباهات و ضعفهای دولت آقای کرزی، قیام گسترده در کشور شیوع یافت، رشوت و اختلاس به یک فرهنگ اداری تبدیل شد وافراد فاسد و نا کار آمدی به مقام های بلند دولت دست یافتند در نتیجه این عوامل و همچنان بر اثر خودسری های نیروهای خارجی و کشتار غیرنظامیان نارضایتی مردم شدت یافت و یک باردیگر کشوردرکام نا آرامی و خانه جنگی فرورفت.

ما باید رای خود را به صندوق کسی بریزیم که طرح قابل اطمینانی برای پایان جنگ و تامین ثبات وامنیت کشور ارایه بدهد.

مشکل عمده دیگرجامعه ما، فقر شدید وبیکاری گسترده است، برخلاف ادعای بهبود وضعیت اقتصادی، بلند رفتن درآمد سرانه، در نتیجه نبود برنامه ها و راهبردهای مشخص و مناسب اقتصادی و عدم اجرای طرح های تولیدی از طرف دولت آقای کرزی، اکنون دامنه فقر درمیان مردم وسعت بیشتر یافته، روزتاروز برشمارگرسنگان، گدایان و فقرا افزوده می شود. اکنون ۶۰ در صد مردم ما زیر خط فقر قرار دارند قیمت ها به صورت نگران کننده، بالا رفته و قدرت خرید مردم پائین آمده است با توجه به افزایش قیمت ها، ارزش معاش کارمندان دولت و معلمین سقوط کرده است، دولت هیچ توجهی برای بهبود زندگی آنان انجام نمی دهد. چند پروژه نسبتا بزرگ مانند سرکسازی تطبیق شده اما در آن ها اختلاس های کلان صورت گرفته و به علت کیفیت پائین درحال تخریب اند.

ما باید رای خود را به صندوق کسی بریزیم که طرح جامع و مشخصی برای از میان بردن فقر بجا مانده از دولت کنونی وایجاد اشتغال و کار ارائه نماید.

در چند سال اخیربه علت بی عدالتی و تبعیض شدید،کشور دچار بحران مشارکتی شده، قوم گرایی و قبیله سالاری فضای عدم اعتماد را به وجود آورده است،لایه های مهمی از جامعه احساس می کنند که حقوق آن ها تلف گردیده و به شهروندان درجه دوم و درجه سوم تبدیل شده اند. این درحالی است که پس از توافقات بن و به میان آمدن حاکمیت آقای کرزی، ملت سازی و به میان آوردن حقوق شهروندی، وظیفه اصلی حکومت و سنگ بنای دموکراسی قلمداد گردید.

در چند سال اخیربه علت بی عدالتی و تبعیض شدید،کشور دچار بحران مشارکتی شده، قوم گرایی و قبیله سالاری فضای عدم اعتماد را به وجود آورده است،لایه های مهمی از جامعه احساس می کنند که حقوق آن ها تلف گردیده و به شهروندان درجه دوم و درجه سوم تبدیل شده اند. این درحالی است که پس از توافقات بن و به میان آمدن حاکمیت آقای کرزی، ملت سازی و به میان آوردن حقوق شهروندی، وظیفه اصلی حکومت و سنگ بنای دموکراسی قلمداد گردید.

نامزد ریاست جمهوری باید ثابت کند که چگونه می خواهد این بحران را حل کند.

قانون گرایی، به ویژه احترام به قانون اساسی، بصورت نگران کنندهٔ درجامعه ما صدمه دیده است، شماری از گروه ها و شخصیت های سیاسی فکر می کنند، حکومت آقای کرزی هنگام توشیح قانون اساسی، در برخی مواد آن تقلب کاری نموده است. اما نقض برخی از مواد قانون اساسی و تضعیف روحیه قانون گرایی، چیزی است که همه مردم به چشم می بینند، تاخیرانتخابات وتمدید حاکمیت آقای کرزی، عدم تشکیل کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، عدم برگزاری انتخابات شورا های ولسوالی ها و موارد فراوان دیگر، مثالهای واضح نقض و یا عدم تطبیق قانون اساسی است.

نامزد ریاست جمهوری باید روشن سازد که چگونه می تواند احترام به قانون اساسی و سایر قوانین را بازگرداند و روحیه قانون گرایی را تامین کند.

رای دادن کاری است که به سرنوشت کشور، سرنوشت ما وفرزندان ما رابطه دارد، ما رای می دهیم تا رئیس جمهور و دولتی را نتخاب کنیم که برای پنج سال آینده سرنوشت ما وکشور ما را در دست می گیرد، بنا براین با کمال تامل و دقت و بدون در نظر داشت منافع زود گذر و تعصبات سمتی، قومی وگروهی باید نامزدی را انتخاب کنیم که مطمئن باشیم، اشتباهات حکومت کنونی را که درنتیجه آن کشور دچار بحران های خطرناک شده است، تکرار نمی کند و برای این بحران ها راه حل های مشخصی ارائه می دهد، برای کسی رای بدهیم که منافع و مصالح علیای کشور و مردم را فدای قدرت طلبی و مصلحت های شخصی و خانوادگی نمی سازد. برای کسی رای بدهیم که شکم گرسنهٔ کودکان ما را سیربسازد. نه برای آن کسی که به زبان ما حرف بزند اما درد گرسنگی و برهنگی فرزندان ما را درک نکند.

عجبه ده!!

فراه ته د کرزي سفر

خپاند



دوه اونۍ د بالابلوک دويرجني پيښې نه تيرېږي. په هغه پيښه کې نژدې يو سل و څلويښت (۱۴۰) بيګناه کسان وژل شوي چې زياتره يې ښځې او ماشومان و. داپيښه په ټول افغانستان کې دوير، قهر او غصې باعث شو. دالومړي ځل ندي چې دبهرنيانو او په ځانګړې توګه د امريکائيانو په هوايي بمبارکي ګڼ شمير ملکي خلک وژل کيږي او دهغوي کورون رنګيږي!

داتکراري پيښه دي چې په پخواکې به کله تري نه انکار کيده او يا داويل کيده چې مخالف وسله وال وژل شوي دي او ملکي خلکوته څه زيان ندي رسيدلي.. بيا وروسته ورو ورو انکار په اعتراف بدل شو او دخواشينۍ په څرګندولو اکتفا کيده او وروسته بيا ډاډ ورکول کيده چې په راتلونکي کې دارنګه بمبارۍ نه کيږي او هر ډول عمليات به دافغان حکومت سره په همغږۍ تر سره شي او ...

زمونږ حکومت هم په لومړيو ورځوکې د بمبارۍ نه منکرو او بيا وروسته د امريکائيانو خبري تکرارولي چې وسله وال مخالفين په نښه شوي او بيا خبره غندنې ته ورسيده او آن تردې چې کرزي صاحب دخلکو په مخ کې په ژړاشو! دسه شنبي په ورځ دغويي د مياشتي په ۲۹ چې کرزي صاحب دغمرازي دڅرګندولو لپاره فراه ته ولاړ نو دامريکې نوي سفير هم ورسره ملګرې و، معنا دا چې هم مې وژنې او هم زما دعاته راځي!

اصلي خبره دا ده چې نه دامريکائيانو خود سره بمبارۍ د تعجب وړده او نه دهغوي انکار، اعتراف، خواشينۍ او وعدې... همدارنګه نه دافغان حکومت انکار، اعتراف، غمرازي، ژړا اوژمنې...

ټول پوهنږي چې دبمبارۍ سلسله روانه ده او افغان حکومت هم پکې ګرم او شريک دي! مونږ خو دا دعوې کووچې يو آزاد خپلواک او خود مختار هيواد يو او يوآزاد او ټاکل شوي ولسمشر او حکومت لرو، پارلمان لرواو... نو که چيري اصلي واک زمونږ سره نه وي اودبهرنيانو دبمبارۍ مخنيوي نشو کولای نو زمونږ ولسمشراو حکومت ته لازم دي چې:

۱- خلکوته وايي چې واک دبل چا سره دی او مونږ تش په نامه واکمنان يو، مونږ نه ګيلې مه کوي او تمه ونلري. مونږ په دي حالت قانع او راضي يو، تاسي پوه شي او کارمو!

۲- ياديو زړه ورمسلمان او با شهامته افغان په صفت له خپلو دندونه لاس په سرشي او دا اعلان دي وکړي چې بهرنيانيو سره موزور برابر نه دي، هغوي سره مقابله نشو کولای، نو استعفا وکوو.

۳- که چيري دا دوه نه کيږي او ټاننه پوري نده شوې او روښانه ده چې حکومت په مسووليت کي شريک دي!

نو عجيبه ده چې هغه مظلوم ولس او دشهيدانو وارثان ولې د ولسمشر او دامريکې له سفير سره په يو تغرکي کيني او خپل لاسونه هغوي ته اوږ دوي!!

از مهر گستری دو دانای بلند پایه تا روابط سردسیاسی دو همسایه

قسمت دوم

عبدالقیوم ملکزاد

ویا مثلا هنگامی که سخنسرای نامدار لاهور بر فراز آرامگاه سلطان محمود در غزنه حاضر می شود، و از ویرانه های به جامانده از عهد پرکبکبه کهن و از دوران پرشان و شوکت وی، اینگونه می موید:

خیزد از دل ناله ها بی اختیار
آه از آن شهری که اینجا بود پار
آن دیار و کاخ وکو ویرانه یی است
آن شکوه و فال و فر افسانه یی است
گنبدی درطوف دوچرخ برین
تربت سلطان محمود است این
آنکه چون کودک لب از کوثر بشست
گفت: در گهواره نام او نخست
برق سوزان تیغ بی زنهار او
دشت و درلرزنده ازیلغار او
زیرگردون آیت الله رایتش
قدسیان قرآن سرا برتربتش
مهرگردون از جلالش دررکوع
ازشعاعش دوش می گردد طلوع
شهرغزنین یک بهشت رنگ و بو
آب جوها نغمه خوان درکاخ و کو
قصرهای او قطاراندرقطار
آسمان با قبّه هایش همکنار
نکته سنج طوس را دیدم به بزم
لشکر محمود را دیدم به رزم
روح سیرعالم اسرار کرد
تا مرا شوریده یی بیدارکرد
آن همه مشتاقی و سوزو سرور
درسخن چون رند بی پروا جسور
تخم اشکی اندران ویرانه کاشت
گفتگوها با خدای خویش داشت

ویا در سروده یی تحت عنوان "قندهار و زیارت خرقه مبارک" می بینیم که این سخنسرای بزرگ(اقبال)، آنکه در جستجوی "نیستان خویش، در کشف حقیقت" بود...، درجستجوی "یافتن گمشده" و رسیدن به سرچشمه و بالاخره راه یافتن به حریم آشنایی وورود به حرم دوست" – خاک شهرزیبای قندهار این کشور مینو سواد را خاک اهل دل، و خاک اهل مراد می دانست و آن را "کوی دوست" تلقی می کرد چنانچه:

قندهار آن کشور مینو سواد
اهل دل را خاک او خاک مراد
رنگ ها بوها، هواها و، آب ها
آب ها تابنده چون سیماب ها
لاله ها درخلوت کهسارها
نارها یخ بسته اندر نارها
کوی آن شهر است ما را کوی دوست
ساربان بر بند محمل سوی دوست
می سرایم دیگر از یاران نجد
از نوایی ناقه را آرم به وجد

آری اقبال به این باوربود که وطن اساس ملت نیست. آنانی که وطن را اساس ملت می نگارند، جز به قطع شدن رشته اخوت نمی ندیشند. اما اقبال در برابر این گروه موضعگیری سختی دارد و برعلیه آن ها می آشوبد.

توجه می کنیم:

آن چنان قطع اخوت کرده اند
بروطن تعمیرملت کرده اند
تا وطن را شمع محفل ساختند
نوع انسان را قبایل ساختند
جنتی جستند دربئس القرار
تا احلوا قومهم دارالبوار
این شجر جنت زعالم برده است
تلخی پیکار بار آورده است
روح از تن رفت وهفت اندام ماند
آدمیت گم شد و اقوام ماند

علامه اقبال سروده های دیگری نیز در وصف کشور برادرانش:(افغانستان) سرزمین عرفا، فضلا وسخنوران بزرگ و...هدیه کرده است که نقل همه اشعار آبدار اوسخن ما را به درازا می کشاند. علاقمندان می توانند آن سروده ها را در بخش "مثنوی مسافر" کلیات اقبال لاهوری، مرور می فرمایند.

حالا بحث بر سر این است که در برابر این همه حسن نظر و لطف ومحبتی که اقبال در برابر مردم کشور ما و وطن ما داشت چه باید می شد و یا چه باید شود وچگونه از آن بزرگمرد ابراز سپاس و شکران و قدردانی به عمل آید؟

در سرزمین ما کم نبودند و نیستند نام آورانی که علمبردار قدردانی به حساب آیند که استاد خلیلی یکی از آن قدرشناسان و مهرورزان و صمیمیت گستران بود.

استادما در پهلوی برازندگی هایی که در شخصیت او پدیدار بود، مردی به شمار می رفت که در گفته ها وتوصیه ها و گفتار و کردارش ممثل خوب حقشناسی به حساب می رفت.

چنانچه وی وقتی که در سال ۱۳۴۲ به آرامگاه اقبال رح در لاهور باریاب شد خطاب به وی سرود:

ای که ما را گردش چشم عقاب اموختی
دیده بیدار خود را از چه خواب آموختی
شام جمعی را نمودی از فروغ فیض روز
تیره شب را روز کردن زآفتاب آموختی
خفتگان را با صریر شعله انگیز قلم
صدتکان دادی وچندین انقلاب آموختی
گردن احرار در یوغ اسارت بود خم
بند بگسستن به مردم از رقاب آموختی
زندگی گفتی خط فاصل بود با بندگی
این دلیل قاطع از فصل الخطاب آموختی
هرسوالی را که مشکل بود بر عقل سلیم
از دبستان دل آن را صد جواب آموختی
بارموز بیخودی رازخودی آمیختی
مشت خاک مرده را رفتار آب آموختی
کاروان در راه و منزل دور و دشمن درکمین
رهروان شرق را درس شتاب آموختی
عقل را ره، شوق را جان، قلب را ذوق حضور
این ز درواماندگان را فتح باب آموختی
خواجه را گفتی ننوشد بعد از این خون فقیر
بینوا را راه و رسم اعتصاب آموختی
آه از آن ملت که باشد یاس در راهش حجاب
ای امیدقوم، تورفع حجاب آموختی
مولوی درگوش جانت گفت رازی بس بزرگ
زان معلم معنی ام الکتاب آموختی
ملت توحید را از مکر دنیای فرنگ
حرف حرف و فصل وفصل وباب باب آموختی
درکهن تاریخ شرق انگیختی شور نوین
شوکت پارینه را عهد شباب آموختی

این چند بیت بالا نمونه یی از قدردانی و حرمت گذاری استاد خلیلی نسبت به علامه اقبال بود. اما سخن سرای نام آور این دیار، قصیدهٔ غرای دیگری مزید بر وصف زادگاه وی دارد که پرداختن پیرامون اساسی ترین موضوع جستار ما را تشکیل می دهد که آن را در شماره بعدی پی خواهیم گرفت. (انشاء الله)

به مناسبت روز معلم

به پیشگاه معلم

شاد روان استاد خلیل الله خلیلی

کیست می دانی معلم ؟ آن که نازد سروری / بر همایون نام وی در زیر چرخ چنبری
تا ابد آواره می گردید در صحرای جهل / خضر ره بین گر نکردی عقل ما را رهبری
علم، رخشان گوهری باشدبر اکلیل حیات / ارزش گوهر که داند؟ گر نباشد گوهری
گوهر اندیشه را از تیرگی بخشد نجات / گوهری داند کمال صنعت روشنگری
پایه وی از پدر والاتر آمد زانکه هست / ارتباط معنوی برتر ز ربط پیکری
ملک دانش ملک وی اما نه با تیغ و سپاه / عرش حکمت زان وی لیکن نه با انگشتری
از فروغش آسمان فضل تابان تا ابد / همچو تابان چرخ گردنده ز ماه و مشتری
لیک آواز ارسطو تا هنوز آید به گوش / از در هر مدرسه گر با تامل بگذری
این جهان یکسر دبستان است و ما شاگرد آن / هان تو تنها طفل را شاگرد مکتب نشمری
خود معلم نیز شاگرد است پیش روزگار / نو به نو درسی دهد ما را جهان گر بنگری
خرم آن آموزگاری کز فصول این کتاب / می کند ما را به تحقیق مطالب رهبری
آفرینش چون کتابی دان کزالفاظ وی است / قطره با این کوچکی، دریا به آن پهناوری
چشم مارا می نمایدآشنا با حرف، حرف / زانکه ننوشتند اینجا هیچ حرفی سرسری
سرزمین ما مقام اوستادان بوده است / باز بین از بلخ بامی تا به اقصای هری
بر سنایی بین که برتر رفته در سیر معاد / با عروج معنوی، از پایگاه مشتری
بلخ بامی بوعلی دارد که قانونش هنوز / با اشارات شفا بخشا کند جان پروری
مولوی در خانقاه عشق شمعی برفروخت / کز فروغش مقتبس گردید شمس خاوری
شوکت جامی نگر کز نور رحمانی هنوز / می کند بر هفت اورنگ معارف قیصری
موج ها دارد چو دریا طبع خوشحال ختک / می نماید پیش طبتع وی اباسین فرغری
نغمهٔ رحمن سرود ذوق می خواند به گوش / می کند همچو پدر مارا به عرفان رهبری
هست تعظیم معلم آیت عز و شرف / زان که باشد پایهٔ وی از پی پیغمبری
ای خوشا رهبر که در پیدا و پنهان پرورد / هم کمال بوعلی، هم اعتقاد بوذری

روز تجلیل معلم جشن ارباب دل است
ای خوشا این جشن دلکش ای خوشا این دلبری

...وانچنین بود تماشای رویش جوانه های حماسه درآن روزگار:

غم مخور...!

ع.م

پس ازگذشت سه دهه، اینک باز بر صفحات تاریخ ادب جهادی دیده برمی دوزیم تا یاد آن روزهای پرشوری درذهن تداعی کند که رویش جوانه های حماسه را به تماشا می نشستیم:

کبیراحمد هروی گزیده اشعار منتشره اش تحت نام"احساس " را، برخاسته از احساس وجوشش عواطف خود وانمود می کند وبرای اینکه بشناساندچهره هایی که با وقوع کودتای هفتم ثور۱۳۵۷ روی صحنه آمدند، چه کسانی بودند، آنها را عناصرفاقد ایمان و دشمنان قرآن وانمود می سازد و می افزاید که:

این گروه ضد دین مقصود شان را تنها وتنها از"کرملین" جستجومی کنند، گفتارآنان همه دروغ است، خدعه و فریب و راستی را باکردار ورفتار آنها دمی سرسازگاری نی:

شد کرملین مرجع آمال تو
ضد دین باشد همه اعمال تو
داده ازکف دین وایمان رایگان
گشته یی بازیچه بیگانگان
گفته هایت یکسره باشد دروغ
شمع گفتارترا نبود فروغ

ودلایل این ادعاهم ازدیدگاه اوروشن وثابت است:

کارگرازظلم تو آواره شد
توده دهقان همه بیچاره شد

درحالیکه نخستین شعارکمونست ها همین بود که گویا نظام آنها براساس خواست طبقه کارگروحمایت ازدهقانان وزحمتکشان به میان آمده !

"آهنگ" هروی به ادامه این سروده اش که با پیرایه و ساده و به اسلوب مثنوی سروده شده مدعی است:

خونی که درشریان این گروه خدا ناشناس جاریست، ازغیرت تهیست و ماحصل بی غیرتی همانا اتکا کردن وهم پیمان شدن با دشمنان دین است!

به باوراو رسیدن به "ارگ" یعنی قصرفرمانروایی درکابل، به مفهوم نیل به مدارج بزرگی ومقام نمی باشد و پایگاه آنها را برنمی افرازد. به دلیل اینکه این ها حکم اسرایی را دارندکه به وسیله دیگران (باداران شان) بدان جایگاه نصب گردیده اند.

فلهذا ازچنین زندگی، اسارت به مراتب بهترمی باشد. به ادامه سروده وی نگه می اندازیم:

خون ناپاک است درشریان ترا
دشمن دین است هم پیمان ترا
به بود زین زندگانی برتومرگ
ای اسیرخود فروش کنج ارگ!

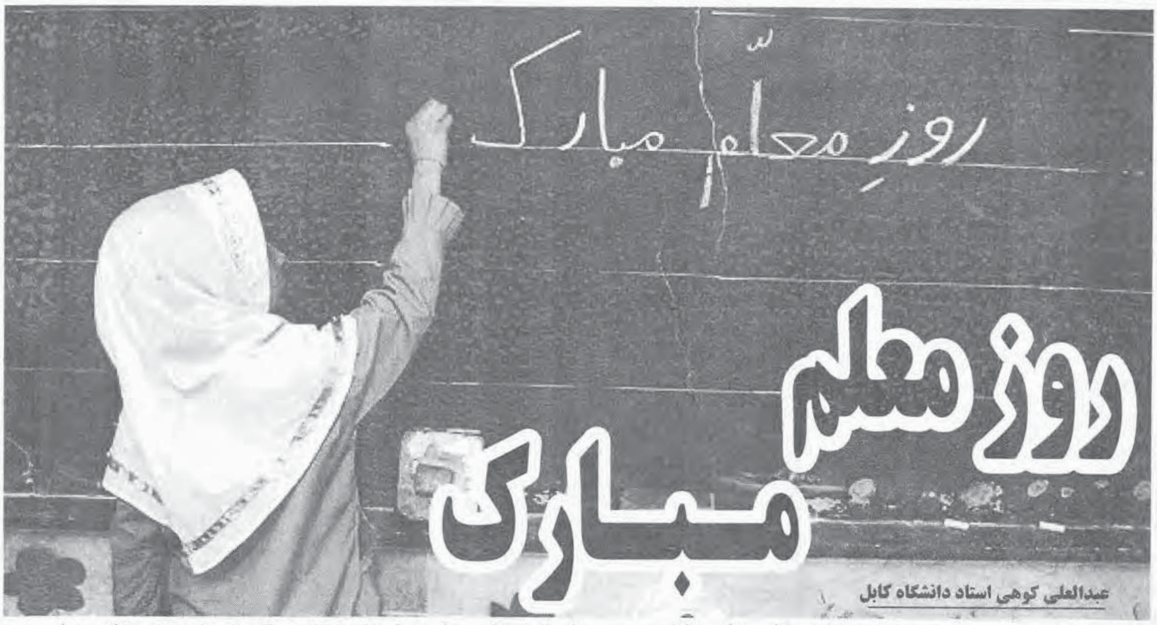
درصفحات واپسین مجموعه کوچک" احساس " چهاربیتی هایی به چاپ رسیده که شماری ازآنها محلی می باشند. این چهاربیتی ها درپهلوی اینکه عملکرد های عمال روسی را به گونه رساتری به تصویر کشانده، حاوی روحیه حماسی ورزمی بیشتر به حساب می روند

ازاین همدیارانصاری وجامی-چنانچه صاحب اثرگرانسنگ" پرطاووس" استاد مولوی محمد حنیف بلخی تحریرداشته – مجموعه دیگری به نام"اژدهای سرخ"نیزبه دست نشرسپرده شده است.

وی دریکی ازشعرهای مندرج در اثر اخیرالذکر– که به اقتفای شعری از خواجه شیراز (حافظ رح) سروده– ازشکست گروه خدا ناشناس موسوم به خلق وپرچم وغلبه و پیروزی خدا باوران نوید می دهد و این پیروزی ازنظراو میسر نمی شود، الا با لطف ومدد خدا. واین هم ابیاتی از این سروده تحت عنوان "غم مخور...!":

آنکه پای دشمن دین را به میهن بازکرد
روسیاه گردد به نزد خلق افغان غم مخور
آنکه روگردان شد ازاسلام، با طل را گزید
رهسپاردوزخ است برحکم قران غم مخور
دشمنی خلق وپرچم گشت ثابت نزد ما
محوگردد عاقبت این نا مسلمان غم مخور
مردم افغان شکسته بارها انگریز را
لشکربیدین بسازد بازپاشان غم مخور

تا معرفی حماسه سرای دیگر در آن روزگار، خدانگهدار.



روز معلم مبارک

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

دست توانمند معلم، در شکل گیری مدنیت های عظیم باستانی و نوین جهانی تأثیرعمده دارد. هر قدر معلم آراسته با علم ودانش معاصر گردد به همان پیمانه بنای فردای کشورما، با ثبات خواهد بود. اما معارف ما با دشواری نابسامانی های فراوانی روبروست در بعضی از مناطق افغانستان به ویژه شهرهای بزرگ یک معلم برای ۶۰ ویا هفتاد شاگرد تدریس می نماید.

در حالی که برای آموزش و پرورش بهتر ایجاب می نماید که حداکثر ۳۰ شاگرد دریک صنف درسی حضور یابند. امروز معارف کشور از کیفیت پائین برخوردار است و این

معارف نه توانسته است کیفیت سی سال قبل خود را بدست آورد.

دررسانه ها می خوانیم هستند کسانی که از دانشگاه ها سند لیسانس بدست دارند قادرنیستند یک ورق درخواستی را به صورت درست بنویسند.این نشانه کیفیت پائین معارف ابتدایی و ثانوی درکشور بوده است.

در عرصهٔ معارف کشور اشتباهات فراوانی صورت گرفته است، نخستین اشتباه را حکومت حزب خلق انجام داد. حزب دموکراتیک خلق در حاکمیت خویش معلمان چیز فهم را

نظر به دشواری های اقتصادی و امنیتی

که داشتند به امنیت ملی جذب کرد تا از آن ها در دستگیری و شکنجه مردم مظلوم کشور استفاده نمایند و تعدادی را به اردوگاه های نظامی سوق داد. تا این که مکاتب کشور به محل سربازگیری این حزب تبدیل گردید. اثرات این کمبود کیفیت در معارف تا اکنون محسوس می باشد و دولت درظرف هشت سال نه توانسته است در راستای کیفیت معارف قدم های موثر و سودمند را بردارد.

کمبود های مهم کیفیت در معارف، معارف افغانستان از کمبود های شدیدی رنج می برد کمبود معلم ورزیده کتاب و محل مناسب تدریس عنوان

میگردد. دولت نه توانسته است کوچکترین نیاز معلم را فراهم سازد. هرچند تعدادی زیادی از شاگردان بعد از حاکمیت طالبان راهی مکاتب گردیده اند، اما نبود معلم و عناصر تدریس کیفیت معارف را همان سان ثابت نگهداشته است. معلم به عنوان سنگ بنای معارف باید مورد توجه جدی قرار گیرد. آنچه که دراین مورد می توان گفت نخست آموزش معلم، دو دیگر استخدام معلم براساس معیارهای علمی و سه دیگر توجه به معیشت معلم است.

هرچند سابقه معارف عصری درکشور، از مرز یک قرن تجاوز می نماید. اما کمبود مکاتب مسلکی تخنیکی و حرفه یی یکی از مشکلات عمده معارف است.

تعدادی از مکاتب تخنیکی ظرف ۶۰-۷۰ سال قبل در کابل هرات، کندهار وبرخی از ولایات دیگر ایجاد گردیده بود که به وهیچ وجه نیاز مندی های جامعه مرفوع ساخته نمی تواند.

هدف اساسی و اصلی آموزش و پرورش آماده ساختن شاگردان برای آینده است. به همین ترتیب همه ساله شغل های جدید به وجود می آید، بناءً شاگردان باید برای مشاغل فراوان آمادگی داشته باشند. فقط داشتن سواد وخواندن اخبار اشتغال به وجود نمی آورد. مکاتب باید زمینه های آموزش زبان های ملی را برای شاگردان فراهم سازد و همچنان شاگردان باید موفقیت کشورهای جهان و منطقه را بدانند. دراین صورت است که شاگردان زمینه های تامین ارتباطات، نوشتن و صحبت کردن با دیگران، تبادل افکار وابراز نظر در مکتب فرا می گیرند.

دراین روزها تجلیل از مقام معلم با تشریفات خاص همراه می باشد، معلمان کشور انتظار دارند که از زبان مسؤولان رموز برنامه های رفاه اجتماعی واقتصادی را در حیات خویش و خانواده بشنوند. گفته می شود که در سال جاری وزارت محترم معارف تصمیم گرفته است، در حدود بیشتر از ۴۰ هزار معلم را که درگام نخست دکتور، لیسانس و ماستر بوده باشند، شامل برنامه اصلاحات و نورم جدید معاشات نماید. امیداست، این حرکت شتاب بیشتریابد، تا زمینه های شگوفایی، رشد وکیفیت را درقبال داشته باشد.

دوشاه در یک ...

پس از تشکیل اداره جدید به رهبری اوباما در قصر سفید، محور های اساسی این استراتژی به تدریج روشن شد از جمله اعزام نیروی بیشتر به افغانستان، تلاش برای بلندرفتن کمیت اردو و پولیس افغانستان تا چهارصد هزار نفر، تلاش برای بهبود وضع زندگی مردم، مبارزه جدی علیه مواد مخدر و اصلاحات در حکومت داری برای مبارزه با فساد اداری.

در رابطه با حکومت داری بهتر که در این استراتژی به آن تاکید شده بود، برداشت مردم افغانستان این بود که با توجه به هشت سال دوران زمامداری آقای کرزی و ناکامی وی دربه میان آوردن یک ادارهٔ سالم، شاید امریکا بعنوان کشوری که بیشترین نیروی نظامی را در افغانستان دارد و متعهد به کمک های بیشتر به افغانستان است، دیگر از حمایت کرزی دست بردارد.

زمانی که ستره محکمه معیاد ریاست جمهوری کرزی را تا ختم انتخابات تمدید کرد، عکس العمل امریکا مثبت و بسیار سریع و عاجل بود بدون این که به قید وشرطی که برای یک انتخابات دموکراتیک و شفاف در افغانستان به آن نیاز است اشاره یی شده باشد بخصوص کاهش اختیارات وصلاحیت های رئیس جمهور در این دوره اضافی برای جلوگیری از استفاده از امکانات دولتی برای رسیدن به قدرت مجدد.

کرزی قبل از سفر اخیرش به امریکا برای شرکت در کنفرانس سه جانبه، به اعضای کابینه گفت که در اجندای گفتگو با اوباما موضوع یک پست جدید در حکومت افغانستان مطرح بحث قرار خواهد گرفت. امریکایی ها اصرار دارند تا شخصی را به عنوان رئیس اجرایی به افغانستان بفرستند. نام این پست ممکن است طوری انتخاب گردد که با قانون اساسی در تضاد نباشد مانند وزیر ارشد و یا رئیس اداره امور، اما کسی که در این پست منتصب می گردد از اختیارات فوق العاده برخوردار خواهد بود.

در سفر به امریکا، کرزی با خلیل زاد هم ملاقات نمود هرچند خلیل زاد مدعی است که در این ملاقات مسالهء این پوست جدید مطرح بحث نبود اما گمان قوی وجود دارد که در صورتیکه امریکا واقعا بخواهد کسی را برای این کار نامزد نماید، مناسب ترین گزینه از نظر امریکا زلمی خلیلزاد خواهد بود.

خلیل زاد سابقهء کار با رهبران و فرماندهان نظامی مجاهدین را از زمان جهاد دارد. در آن دوران او با گلبدین حکمتیار روابط بسیار گرم و صمیمانه داشت.

خلیلزاد در زمان ظهور طالبان مشاور ارشد کمپنی نفتی یونیکال و حداقل در یک مورد مهماندار بعضی از رهبران طالبان در امریکا برای ترغیب آنان برای کنار آمدن با یونیکال بود. او با طالبان آشنایی دارد.

بعد از سقوط طالبان خلیلزاد در مقام سفیر و نمایندهء خاص ایالات متحدهء امریکا در افغانستان، از شخصیت های تاثیر گذار بر روند لویه جرگه قانون اساسی بود. دخالت های او در قبولاندن سیستم ادارهء دولت از طریق یک نظام ریاستی نقش مهم داشت. در عین حال او در کنار کرزی و درحقیقت بعنوان رئیس جمهور پشت پرده در افغانستان ایفای نقش کرده است.

۱- به نظر می رسد که اگر خلیل زاد یا هر شخص دیگری که به این مقام منصوب گردد، قدرت اجرائی را در دست خواهد داشت و چنین مقامی در قانون اساسی افغانستان پیشبینی نشده است. اگر آقای خلیل زاد به این سمت برگزیده شود جالب خواهد بود که در پستی ایفای وظیفه خواهد کرد که با نظام ریاستی همخوانی ندارد. این درست نقطهء مقابل باوری است که خلیل زاد در دوران جورج بوش در مورد نظام سیاسی افغانستان حامی آن بود. و برای ریاستی کردن نظام سیاسی افغانستان در لویه جرگه قانون اساسی تلاش هایی زیاد به خرج داد.

۲- مساله مهم دیگر این است که خلیل زاد در این پست با تیمی کار خواهد کرد که هر یک از اعضایش باید دارای مقام رسمی باشند. این تیم که وظیفهء (حکومت داری خوب) به آنها سپرده می شود شاید بیشتر از میان کاندیدا های ریاست جمهوری و آنانی که از کاندیدشدن به امید رسیدن به همین موقف صرفنظر کرده اند انتخاب گردند.

هرچند آقای خلیلزاد روز چهارشنبه گذشته در مصاحبه یی با اسوشتیدپریس بیان داشت او به دنبال پستی درافغانستان نیست، اما به تکرار یاد شدن نام او در محافل مختلف دراین رابطه احتمال تصدی این پست توسط کسی دیگر را به شدت کاهش می دهد. اگر آقای خلیل زاد هم به این پست مقرر، ظاهراً باید از سوی آقای کرزی منصوب شود که از لحاظ حقوقی در ظاهر امر اشکالی ایجاد نکند.

در طرح این مساله چند دیدگاه وجود دارد:

۳- شماری به این باورند که دیگر امریکا از آقای کرزی دست شسته است و دیگر به خیری از وی چشم ندارد، لهذا می خواهد جلوی سوءاستفاده او را از قدرت در این مدت تمدید شده بگیرد واین کار می تواند از طریق کنترل امور دولت توسط این رئیس اجرایی صورت پذیرد.

۴- برخی، از جمله طرفداران اقای کرزی این تصمیم ایالات متحده امریکا را مبنی بر حمایت آن از آقای کرزی درانتخابات آینده و رئیس جمهور شدن مجدد وی تفسیر می کنند واین کار را نشانه یی از آن می شمارند چون امریکا پیروزی کرزی را در انتخابات آینده حتمی دانسته است؛ لهذا برای کنترل دولت او از لگام گسیختگی دورهٔ پیشین دست به ایجاد چنین پستی زده است. اما واقعیات عینی در روابط آقای کرزی و مقامات دولت جدید امریکا نشان می دهد که این احتمال بسیار بعید به نظر می رسد.

۵- عده یی دیگر می گویند، آقای کرزی از پیروزی در انتخابات آینده مایوس شده است، چون نه حمایت امریکا را دارد و نه هم حمایت مردم، لهذا حاضر ست برای حفظ قدرت ولو به گونهٔ سمبلیک هم باشد تن به هر شرط و قیدی بدهد، لذا او خود جهت اطمئنان امریکا ایجاد چنین پستی مطرح کرده است.

به هر حال به فرض بقای آقای کرزی برمسندقدرت درچنین نظامی با یک رئیس قدرتمند اجرایی با پشتوانهٔ قوی خارجی، انجام موفقیت آمیز امور چقدر عملی خواهد بود؟ اگر میان این دو قدرت اختلافی رونما گردد این اختلاف را کدام مرجع حل وفصل خواهد کرد؟

رئیس جمهور منتخب با این استناد که منتخب مردم است، خود را مشروع تر از قدرتی خواهد دانست که با حمایت خارجی بر مسند قدرت است و این خود مشکل آفرین ترین بخش از این برنامه است.

وقتی در استراتژی اوباما در مورد افغانستان موضوع حکومتداری خوب به عنوان یکی از محور های این استراتژی عنوان شد کمتر کسی به این باور بود که انتخابات و رای مردم فدای این هدف خواهد شد بلکه بیشتر مردم تا هنوز به این باورهستند که امریکا کرزی را کنار خواهد نهاد.

اعلام این پست در آستانهٔ انتخابات تأثیر منفی روی پروسهٔ انتخابات خواهد گذاشت و مردم به این باور خواهند رسید که انتخاب آنان در برابر انتصاب امریکا ارزشی ندارد. به این ترتیب مردم بیشتری از دادن رأی خودداری خواهند کرد. بی تردید این کار برای امریکا بسیار گران تمام خواهد شد، چیزی که امریکا در پی تحقق آن درافغانستان نیست.

پنځلس زره پاکستاني پوځ دپنځه زره طالبانو سره په جګړه کې

آخندزاده





له کومې ورځې راهیسې چې دسوات په سیمه کې طالب اوربکي له بونیر څخه دسوات سیمې ته دپاکستاني پوځ لخوا راتمبول شوي، دادی دریمه اونۍ یې هم پوره کیدونکې ده خود پاکستاني پوځ منګولې دسوات په ټوله سیمه او په ځانګړې توګه په مینګوره باندې ندې ټینګې شوي، چیرته چې طالب اوربکو مورچې سمبال کړیدي.

که څه هم پاکستاني پوځ په روانه جګړه کې دغټولاسته راوړنو ادعاګانې لري خو بیا هم تردامهاله یې له طالبانو څخه ټولې هغه منطقې ندي پاکې کړي چې پکې طالبانوځایونه نیولې دي چې دهغو له جملې څخه پخپله د مینګورې ډیرنفوسه ښار هم دي، ځکه طالبانو دښار ټولوخواووته مینونه ښخ کړیدي کوم کارچې له یوې مخې دپاکستاني پوځ دوړاندې تګ خنډدی او له بلې مخې پدغه سیمه کې دپاتې ملکي وګړوهم له مینګورې څخه دهغوې د وتلواوامن ځایونوته درسیدلو په لورې مانع دی.

دسوات په سیمه کې د پاکستان پوځ او دسیمې دطالبانو ترمینځه روانه جګړه دپنځلس زروپاکستاني پوځیانو او نږدې پنځه زره طالبانو

ترمینځه جګړه ده چې تردامهاله د پاکستان د پښتونخوا ایالت داطلاعاتو د وزیر افتخار حسین د وینا له مخې د دوه نیم میلیونو انسانانو له سیمې څخه دکډې اخستلو لامل شوې، چې ددغو کډه اخستونکو ډیرشمیر یې دمردان، صوابي او چارسدې په شمول په ګنونوروښارونو کې پناه اخستې ده او د دولت لخوا په جوړشوو پنډغالو او ښاري سیمو کې ځاې پرځاې شوي دي.

چې له همدې امله دوه ورځې مخکې د امریکا د بهرنیو چارو دوزیرې"میرمن کلنتن" لخوا یوسل ولس میلیونه ډالر عاجله مرسته د پاکستان د دولت سره اعلان شوه چې په دغه مرسته کې به په شل میلیونوډالرو دمهاجرینو لپاره خیمې اوجنراتورونه، او په ۲۰ میلیونو نوروباندې غنم اخستل کیږي، او هم به له همدې مرستې څخه لس میلیونه ډالر دملګروملتونو لخوا اونس میلیونه ډالرد دفاع وزارت لخوالګولي کیږي پداسې حال کې چې داولس میلیونو ډالرو په بیه به پرې امریکا خپل غنم هم پلوري.

دامریکا دغه سخاوتمندانه مرسته که دپاکستان دهیواد سره د هغوې له هغه درې نیم میلیونه ډالرو مرستې سره پرتله شي چې پدغه هیواد کې څلور کلونه مخکې د راغلې زلزلې څخه وروسته یې تردامهاله ورسره په غیرنظامي ډګرونو کې کړې ده نو دابه په ډاګه کړي چې امریکا څومره له جګړوسره مینه لري؟! او دیوې ورکې سپږې پسې یې په سیمه کې څه غوبل پیل کړیدی؟ چې د دولتونو په لاس خپل وګړي وژني، څوا دامریکا مرستې لاسته راوړي!

او دپاکستان پوځ چې په دې وروستیو کې یې اعلان وکړچې تردامهاله یې له زروتنو زیات مخالفین (طالبان اوربکي) وژلي دي- ددغه هیواد په غوا لوښلو کې هغه مهارت په ګوته کوي چې تل یې کارولی دی او هم یې ګاونډیانو ته په سیمه کې اوربل کړیدی. پداسې حال کې چې آزادې سرچینې دغه راپورونه نه مني. او وایې چې پاکستاني پوځیانو له طالب اوربکو څخه دسیمې عام وګړي- چې ټول یې پښتانه دي- ډیروژلي دي او داځکه چې دپوځ لخوا په سیمه باندې په پرله پسې توګه بمبارۍ کیږي او هوایې بریدونه هیڅکله هم داتفکیک نشي کولاې چې مخالفین وژني او که ملکي وګړي؟ لکه چې امریکا یې اوناټو ځواکونه زمونږ په هیواد کې په هر هوایې برید کې د طالبانو په پرتله ملکي وګړي ډیروژني.

پاکستاني پوځیانو د چهارشنبې په ورځ هم دمخالفینو څخه د میدان په سیمه کې د اووتنو مخالفینو د وژلو ادعاء کړې او هم یې ویلي دي چې دشموزو او متمې په سیموکې یې هم دطالب اوربکو مرکزونه په نښه کړیدي

پاکستاني پوځونه پداسې وخت کې دا ادعاء ګانې کوي د سیمې لپاره د امریکا لخوا د نوې اعلان شوي استراتیژۍ له مخې د امریکا مرستې دپاکستان سره په نظامي ډګر کې په سخاوتمندانه توګه شوي دي کوم کارچې ددغه هیواد ملکي او نظامي چارواکي یوځل بیا دې تصریحاتو ته اړکړي چې دترهګرو ترځپلو پورې د دوې عملیات روان وي چې په همدې منظور دوه ورځې مخکې یوسف رضا ګیلاني ددغه هیوادصدراعظم او اشفاق کیاني د دغه هیواد داردومشر دهغوجلا جلا غونډو مشري وکړه چې دترهګرۍ! پرخلاف روانې جګړې دښه تنظیم اوهم په بیځایه شووخلکو باندې دمرستو دویشلو دښه تنظیم لپاره داېرې شوې وې، چې دنوموړو دخرګندونو له مخې به هرې بیځایه شوي کورنۍ ته ودرې سوو امریکایي ډالرو سره سره کومکي توکي او غذایي مواد ورکولاې شي، چې پدې ترتیب به بیځایه شوي کورنۍ و کولاې شي چې که په ترتیب شوو پنډغالو کې ځاې نشي و په نږدې ښارونو کې به کرایه کورونه ونیسي.

خوبلې خوا ته دکراچۍ ښار مسولینو او دپولیسو مشرانو هم د دې ادعا کړیده چې د روانې جګړې په نتیجه کې د طالبانو یوه غټه شمیره دغه ښارته هم رسیدلي او په ځینو ځایونو کې په سترګو کیږي چې ښایې په نږدې

راتلونکې کې د دغه ښار امنیت ته هم ګواښ شي او دهغو کومکي توکو دراوړنو په وړاندې به خنډونه ولاړکړي چې د دغه ښار له لیارې په افغانستان کې میشتو امریکایي پوځونو ته په غټو د درنو لاریو کې رارسیږي او ددغو لاریو مخنیوي دامریکایي پوځونو دمرۍ دخفه کیدوپه معنا تمامیږي.

درهشت سال گذشته

شعارهای عمران و بازسازی و عدالت عملی نشد

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

بعد ازهمایش بن وآمدن آقای کرزی به کرسی حاکمیت، که شعار های بلند پروزانه وامید وارکنندهٔ توسط وی سرداده شد گل لبخند به روی مردم گشوده شد ومردم امیدهای زیادی را درخود پرورش میدادند که بادریغ، دیگراین امیدها دردل این مردمان نیازمند به خاکستریأس مبدل شده است وکسانی که دراین آزمون بزرگ ناکام وناموفق بوده اند. حالا یکباردیگرمی خواهند، این مردم را به سوی خود بکشانند باز با دادن شعار و وعده هایی از این مردم مظلوم ورنجدیده رای اعتماد بگیرند و تجربه های ناکام خود را ازسرتکرارنمایند، این ها بودند که همه چیز بدست، برای خود ونزدیکان خود قدرت وسیاست را حاتم بخشی کردند وگاهی برتلافی ناکامی های خویش درپرده تلویزیون اشک ریختند وگفتند جنگ سالاران به کارنمی گزارند.

آیا مردم می توانند، جواب سوالات خودرا ازاین سخنان دریابند که گویا آنها به دلایلی ناموفق بوده اند وحالا هوشیارشده وکارهای درست وحسابی برای شان انجام خواهند داد؟

به نظرنویسنده، امروزدرذهن بسیاری ازشهروندان این ذهنیت ایجاد شده است که باید به هدف بزرگ تحول سیاسی به شخصیت ها وعناصر ملی فکرکرد وکشوربه چهره های جدید وتوانمندی جدید نیازدارد.

تجربه نشان داد که فرصت های هشت ساله که مردم دراختیارداشتند وجامعه جهانی سخاوتمندانه به این سرزمین کمک خود را سرازیرنمود، نظربه عدم کفایت درایت ومدیریت حاکمیت موجود ازدست رفت. مردم دیگربه این باوراند که باید یکسره ازاین حاکمیت موجود دست، شست وآنها را به حال خود گذاشت، تا آنچه بدست آورده اند، به حساب آنها برسند.

مردم به نیروی جدید وچرخش جدید درسیاست کشورشان نیازدارند.

حالا این شخصیت ها که تجربهٔ کشاندن مردم را به سوی شعارهای خود دارند، می خواهند،بازمردم را شکاراین سخنان سازند وبرایشان دلسوزی نشان دهند. این ها فقط درجامعه جهانی ودرپشت تریبیونها ازآدرس مردم حرف می زنند، درحالیکه مردم درحاشیه رانده شده اند.

درصورت انتخابات سال جاری ریاست جمهوری وشوراهای ولایتی می تواند، مردمی وقابل قبول باشد که مردم بادرک شرایط سیاسی وبه کارانداختن فهم وشعورسیاسی خود، ازافراد ونامزدهایی حمایت کنند که دارای برنامه ملی بوده باشند.

درغیرآن حاصل این انتخابات، درپارادوکس قبیله وقدرت، ناکاراضعیف وناتوان ترازپارتجلی خواهدکرد وفرایند آن یک تجربه ناکام دیگردرکشورخواهد بودکه مردم آن را تحمیل خواهندکرد.

در مواردی که هم طراح های عمرانی پیاده شده است، بی عدالتی وعدم توازن در آن به چشم می خورد.

ولایات امن کشور که در آن ها هزینه پیاده کردن پروژه های عمرانی مساعد است، کاملا فراموش شده است امادر برخی ولایات جنگ زده، صد ها میلیون دالر مصرف می کنند و دوباره توسط مخالفان تخریب می شود، اما دولت دوباره می سازد و مخالفان تخریب می کنند.

در ولایت هرات جریان بازسازی و نوسازی چنان پیشرفت سریع داشت که حکومت مرکزی را متوجه خود ساخت و در سالهای اخیر طوریکه دیده می شود، این جریان نظر به دلایلی، از آن شتاب نخستین خویش باز گذاشته شد و تعدادی از کارخانه های تولیدی در شهرک صنعتی این ولایت، نظر به رقابت کشور های منطقه، کمبود مواد اولیه، مسدود شدن راه ها و نا امن بودن مسیر تدارکات مواد اولیه و در نتیجهٔ بی مهری دولت، سبب گردید، تا کارگران این کار خانه میان تولیدی تعدادی از کارگران خود را از کار سبکدوش نمودند، تا این که آنها در صف بیکاران کشور قرار گفتند. وقتی قبل از یک سال جمعی از مهمانان که از کابل به هرات سفر نموده بودیم، با تعداد از صاحبان این کار خانه ها از نزدیک ملاقات داشتیم، صاحبان این کار خانه های تولیدی دولت را ناتوان و نا مهربان توصیف کردند و با تلخی و با زبان مایوس و ناامیدی سخن می گفتند.

روز جهانی مخابرات و...

مخصوصا وزارت مخابرات با این کمپنی ها شراکت دارد وعمدا فضای رقابت میان این شرکت ها را کنترول نموده از پائین آمدن نرخ مکالمات جلوگیری می کنید.

در هفت سال اخیر درافغانستان، پیشرفت ها در عرصهٔ توسعه ارتباطات صورت گرفته و تسهیلات زیادی برای مردم فراهم شده است. اما در پهلوی آن باتوجه به فقری که درافغانستان وجود دارد ضربه های اقتصادی هم برای مردم وارد کرده و سرمایه های ناچیز مردم فقیر به کیسهٔ شبکه های مخابراتی واریز می شود.

در حال حاضر چهار شرکت خصوصی مخابراتی(روشن، افغان بیسیم، ام تی ان و اتصالات) و یک شرکت دولتی (افغان تلی کام) در کشور فعالیت دارند.

همزمان با روز جهانی مخابرات وتکنالوجی معلوماتی، شبکه های مخابراتی خصوصی در کشور مبلغ ۴۰ هزار دالر امریکایی را برای کمک به وزارت معارف اختصاص دادند تا برای سه مکتب در شهر کابل [illegible]ق های کمپیوتر همراه با انترنت را تجهیز و جهت استفاده و آموزش شاگردان آن مکاتب قرار دهند.

انترنیتی که درافغانستان مورد استفاده قرار می گیرد، قیمت بالا و درعین حال کیفیت بسیار پائین دارد که در مواردی جز ضیاع وقت و مصرف پول فایده یی در پی ندارد. علت این مشکل بیشتر نبود زیرساخت های انترنیت است، چون انترنیت درافغانستان از طریق ماهواره قابل دست رسی است که نرخ آن بالا بوده و سرعت پائین دارد.

سال گذشته نیز وزارت های معارف و مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در مشارکت با ادارهٔ انکشاف بین المللی امریکا و شرکت مخابراتی روشن، راه اندازی برنامه "یک کپیوتر لپ تاپ برای یک طفل" را در چارچوب وزارت معارف اعلام کرده بودند.

برای بار اول در سنبلهٔ ۱۳۸۷ به تعداد ۶۰۰۰ پایه کمپیوترهای لپ تاپ ارزان قیمت به دسترس وزارت معارف قرار گرفت تا به طور امتحانی برای شاگردان دوره یی ثانوی توزیع گردد، که ۵۰۰۰ پایه کمپیوتر لپ تاپ از جانب بنیاد غیر انتفاعی در امریکا به نام" یک لپ تاپ برای یک طفل" و ۱۰۰۰ پایه از طرف وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی مساعدت شده بود. که وصل آن به شبکهٔ جهانی انترنت از جانب شبکهٔ مخابراتی روشن داده شده بود. وزارت معارف اعلام داشته بود که ابتدا در مکاتب شهر کابل و متعاقباً به ولایات در توزیع آن اقدام خواهندکرد. اما فقط حدود ۴۰۰ پایه در اخیر حوت سال ۱۳۸۷ در ولایت ننگرهار توزیع شده است. و از سرنوشت کمپیوتر های دیگر اطلاعی در دست نیست.

پیشرفت تکنالوژی معلوماتی کارهای زیادی را در جهان ساده و آسان و دسترسی آن را سهل و نزدیک ساخته است که فراگیری و آماده سازی ابزار آن که همانا کمپیوتر و وصل آن در انترنت و آگهی های آن می باشد، امر یست ضروری.

انتر نیت جهان را کوچک ساخته و تمام معلومات واردهٔ جهان را در اتاقی نشسته و تماشاگر هستیم. اما باید بدانیم که در جهان و این زیر آسمان نیلگون، انواع زشتی ها و خوبی ها هرکدام به سهم خویش کارگردانی می کنند و در تضاد قرار دارند و در کوشش آنند تا طرفداران خود را داشته باشند.

وصل شدن به دنیای انترنت جنبه های مفید، از جمله امکان تبادل علمی و فرهنگی، آموزشی، آگهی های مفید در تمام عرصه ها و معلومات را داراست که می توان از آن استفاده کرد. اما ایجاد روابط ناسالم ، توهین و ترویج عقاید نادرست و غیر اخلاقی، اعتیاد به انترنت که از دیگر امور بار دارد، ایجاد مزاحمت و انتشار تصاویر مستهجن و نمایش صحنه های خشونت بار، ترویج فرهنگ غیر اسلامی، دگرگونی ارزش ها و هنجارهای جامعه، بروز عوارض روحی و روانی ناشی از دیدن تصاویر و صحنه های مبتذل و افزایش کجروی و انحرافات اجتماعی، از جمله آسیب های انترنتی است که در صورت استفادهٔ نادرست، نسل جوان ما را تهدید خواهد کرد. پس بر معلمان و اولیای شاگردان است تا از چگونگی استفاده و بکارگیری انترنت، آن ها را آگاه سازند. تا خدای ناخواسته با استفادهٔ نادرست این تکنولوژی، خود، خانواده و جامعه را دچار مشکل اخلاقی نگرداند.

بر اساس آمار اتحادیه بین المللی تکنالوجی معلوماتی همه ساله از ۵ کودک استفاده کننده از انترنت یک تن آنان از سوی گروه های استفاده جو مورد سو استفاده قرار می گیرند.

انترنیتی که درافغانستان مورد استفاده قرار می گیرد، قیمت بالا و درعین حال کیفیت بسیار پائین دارد که در مواردی جز ضیاع وقت و مصرف پول فایده یی در پی ندارد. علت این مشکل بیشتر نبود زیرساخت های انترنیت است، چون انترنیت درافغانستان از طریق ماهواره قابل دست رسی است که نرخ آن بالا بوده و سرعت پائین دارد.

وزارت مخابرات از چندین سال به این سو تطبیق پروژه فایبرنوری را پیش می برد، اما به رغم وعده های زیاد تا هنوز مانند دیگر پروژه های دولت خبری از آن نیست.

د [illegible] ولسمشري، راتلونکي [illegible] ټاکنې...

چې دهمدغو مادو په استناد د ولسمشرۍ په تیرو ټولټاکنو کې په پاکستان او ایران کې میشتو مهاجرینو مهال نږدې پنځه میلیونو وګړوته برخه ورکړای شوې وه. که څه هم په پارلماني ټاکنو کې ورڅخه محروم ګرځولي شوي وو. خو اوس چې د پخواني شوروي اتحاد د ښکیلاک په نتیجه کې د نظام له ړنګیدو او دافغانانو د تاریخي جهاد په برکت د جهاد د بریالیتوب اوبیا ناآرامیو او کورنیوجګړو وروسته د بن دپریکړې په نتیجه کې د سیاسي نظام دټینګښت په لړکې دادی ددوهم ځل لپاره زموږ په هیواد کې دولسمشرۍ دټولټاکنو وخت نږدې رارسیدلی دی نو داخل نه دملګرو ملتونو سیاسي څانګه "یوناما" دهغو مهاجرینو لپاره په ټولټاکنو کې د برخې ورکولو په فکر کې ده او نه د ټولټاکنو خپلواک کمیسیوني پداسې حال کې چې په ټولټاکنو کې د انتخابیدو او یا د بل چا د انتخابولو حق د افغانستان د ټولو اتباعو حق دی. که هغه په هیواد کې دننه وي او که هغه زموږ دهیواد د سیاسي، امنیتي او اقتصادي ناسمو شرایطو لامله په ګاونډیو هیوادونوکې لاتراوسه پراته مهاجرین وي. ځکه هغوی افغانان دي، ددې خاورې تابعیت لرونکي، اوان تردې چې ډیری یې دټولټاکنو دهغوکارتونو لرونکي هم دي چې په ټولټاکنو کې د افغان په توګه د هویت تثبیتول کوي. نو ترڅوچې هغوی دافغاني تذکرولرونکي او لادټولټاکنو لپاره د هغو توزیع شوو کارتونو لرونکي هم وي چې پنځه کلونه مخکې دملګروملتونو لخوا دمهاجرینو اداري IOM ورته ویشلي ؤنود افغانستان د دولت لخوا ټاکلي شوی دټولټاکنو خپلواک کمیسیون او یا یوناما هیڅ حده حق نلري چې هغوی له خپل لرونکي حق څخه محروم کړي: ځکه دغه افغانانو خو د دولت سره جنګیدونکی هم ندي او که هیواد ته تراوسه پورې نه راستنیږي نو هغه یوازې سیاسي وجوهت ندي. بلکې دکرزي دولت بشپړه ناکامي او په سیاسي، صحي، تعلیمي، امنیتي او اقتصادي ډګرونو کې د موجوده دولت پاتې راتګ دی چې داسې شرایط یې برابر نه کړای شوځولامله یې دغه مهاجرین په دا ډه زړه خپل هیواد ته راستنا نه شي او دمهاجرت ژوند ختم کړي همدارنګه مثال په توګه له څلور دیرشو ولایتونو څخه په اتلس ولایتونوکې د دولت حاکمیت او تسلط کمزوری دی او لا په ځینوکې خو د مخالفینو برلاسي ده

یاد مثال په توګه په صحي ډګر کې دولت تراوسه د وینې دکینسو د ناروغانو لپاره داسې مراکز جوړ نکړای شو چې پکې ددغه ناروغیولرونکو لپاره په فوق العاده توګه کراسمچ شوې وینې دسرواوسپینو کرواتو په چلاکولو سره ورکړای شي نوڅنګه په هغه کورنی هیوادته راستنې شي چې دغسې ناروغان ولري. نو که چیري د دولت د ناکامي لامله هغوي مهاجرین نه راستیږي نو د هغوی د خپل هیواددسیاسي او ملي زعامت ټاکلو کې دونډې لرلو (انتخاب) له حق څخه د محرومولو حق نه دې دولت ته حاصل دې او نه هم یوناما ته.

او داچې د اساسي قانون دیوشپیتمې مادې لومړۍ فقره او هم د دریاتیایمې مادې لومړۍ فقره پدې صراحت کوي چې ولسمشر او ملي شورا د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو رایو له لیارې انتخابیږي. نو دعمومي کلمه څه افاده کوي؟ ددې معنا خو داده چې دافغان ولس ټولي پرګنې د ټاکلو او ټاکلي کیدلو حق لري، که چیرې هیواد کې دننه له نږدې پنځه ویشت ملیونو څخه د ولس نیم ملیونه وګړي د ټاکلو حق لري نو له هیواد څخه بیرون او په ځانګړې توګه په پاکستان او ایران کې میشت نږدې شپږ میلونو څخه هم نږدې د دوه نیم ملیونو په شاوخوا د ټاکنو د شرایطو لرونکي افغان مهاجرین ولې له دغه حق څخه محروم ګرځولي کیږي؟

په عراق کې د ولسمشرۍ او پارلمان دټولټاکنو لپاره په ګډو لویدیځ هیواد و نو کې چې عراقیانوته راې ورکولو شرایط برابریږي باید ملګري ملتونه او دافغانستان دولت کمه ترکه خو دي

دووګاونډیوهیوادنوکې میشتو مهاجرینو ته دې هم په ولسمشرۍ او پارلماني ټاکنو کې د ګډون زمینه او شرایط برابرکړي. اوکه چیرې په تیرو پارلماني ټولټاکنو کې هم لکه د ولسمشرۍ د ټولټاکنو په څېرډغومهاجرینو ته زمینه برابره شوې واې نو دکرزي دولت به اوس دکمزورۍ له بلا خلاص واې ځکه پدې س ډیرو مخالفینو ته هم په نظام کې دسیاسي مشارکت زمینه برابریدله او له یوې ورځې څخه بلې ته به نه ضعیفه کیده. که چیرې ملګري ملتونه غواړي چې د افغان ولس ټولو پرګنوته دسیاسي مشارکت زمینه برابره کړه او پدې ترتیب دکرزي دولت یا موجوده نظام د مخالفینو دایره وره کړي نو په دواړوګاونډیو هیوادونوکې دمیشتو مهاجرینو لپاره دې دازمینیه برابره کړي څو انتخابات په ریښتنې معنا ترسره شي او دانتخاباتو په نتیجه کې راتلونکې ولسمشر او نظام (دولت) مشروعیت پیداکړي، ځکه که د مهاجرینوله مشارکت پرته او په ځینو ولایاتوکې د امنیت دشرایطو دنشتوالي لامله داسې انتخابات ترسره شي چې دهیواد دننه هم دولس یوه غټه برخه محرومه شي نو په نتیجه کې به بیا راتلونکي نظام مشروعیت و نلري او له یوې ورځې څخه به بلې ته د مخالفینو د دایرې په پراخیدو وسره راتلونکي نظام له موجوده دولت څخه کمزوري او سي او دا انتخابات په یوبي ځیه لګښت اوسي او دافغانستان ولس ته به دامنیتي وضعې دښه کیدو او استقرار او ثبات په لړکې څه نوې حالت په لاس ورنکړي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

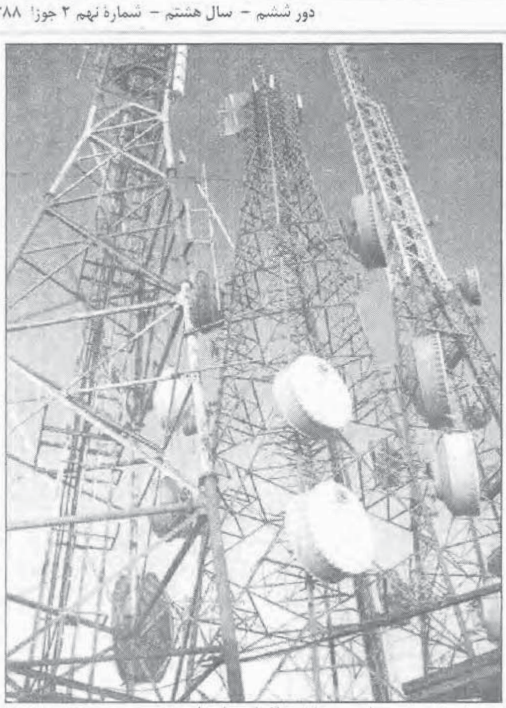
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هشتم – شمارهٔ نهم ۲ جوزا ۱۳۸۸ - ۲۸ جمادی الاول ۱۴۳۰ - 23 May 2009



روز جهانی مخابرات و تکنالوژی معلوماتی

ث– ثامر

از روز جهانی مخابرات و تکنالوجی معلوماتی با شعار (مصئون نگهداشتن اطفال در جهان از انترنت) در سراسر جهان تجلیل بعمل آمده است. از این روز (۲۷ ثور)، در افغانستان نیز از سوی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی بزرگداشت بعمل آمد.

امیرزی سنگین وزیر مخابرات که در مراسم روز جهانی مخابرات و تکنالوژی معلوماتی صحبت می کرد، گفت: هم اکنون اکثر ولایات کشور کاملاً تحت پوشش خدمات مخابراتی قرار گرفته اند. درحال حاضر ده میلیون نفر در کشور، تلفن های همراه (مبایل) دارند و تا کنون ۱،۳میلیارد دالر در این بخش سرمایه گذاری شده است.

اما نرخ مکالمات تلفونی زیاد بوده در منطقه و درمیان کشورهای همسایه بلند ترین نرخ را تشکیل می دهد، با توجه به درآمد پائین و فقرشدید، پرداخت قیمت تلفون بار کمرشکن بر دوش خانواده های فقیر افغانستان است.

کمپنی های تلفون جز کسب سود بیشتر و خالی کردن جیب های مردم کاری دیگری ندارند. از جانب دیگر کیفیت عرضه خدمات این تلفون ها بسیار پائین بوده باعث ضیاع وقت و دردسر استفاده کنندگان می شود.

دولت در زمینه کاهش قیمت ها و بهبود خدمات تلفونی هیچ اقدامی انجام نداده است. این وضعیت در ذهن مردم این گمانه زنی را به میان آورده است که مقامات دولتی

ادامه در ص۷

گردهمایی بزرگ در حمایت از داکتر عبدالله

ادامه از صفحهٔ اول

طی اجتماعی با شکوه در کابل از کاندیداتوری داکتر عبدالله عبدالله حمایت گردید.

در این اجتماع که پیش از ظهر دوشنبه در محل هوتل اورانوس برگزار شده بود، هزاران تن از اقشار مختلف جامعه اشتراک کرده و سخرانان با اشاره به شخصیت و سوابق کاری داکترعبدالله، وی رامناسب ترین و شایسته ترین شخصیت، برای احراز پست ریاست جمهوری دانستند و برای همکاری و حمایت همه جانبه از وی اعلان آمادگی کردند.

در این اجتماع عظیم که نمایندگان بیشتر ولایات کشور شرکت کرده بودند با یاد آوری ویژگی های برجسته شخصیت ملی داکتر عبدالله اعلان کردند که آماده هستند در ولایات متذکره، حرکت های جمعی وسیعی در حمایت از وی به راه اندازند در این اجتماع، هم چنین گروه بزرگی که قبلاً با علی احمد جلالی همکاری می کردند، پیوستن خود به کاروان کمپاین انتخاباتی داکتر عبدالله و همکاری با وی را اعلان کردند.

آنان گفتند که اعتماد کردن به شخصیت هایی که در خارج کشور به سر می برند و با درد و رنج مردم آشنایی ندارند، اشتباه بوده است و آن ها تصمیم گرفته اند که از یک شخصیت مسلمان، مجاهد و اداره کننده ی لایق حمایت کنند و داکتر عبدالله به لحاظ شایستگی های فکری و اخلاقی و نقش مهمی که در جهاد و مقاومت و در همسنگری با قهرمان ملی کشور داشته است همان شخصیت مورد نظر آن هاست.

اشتراک کنندگان این اجتماع عظیم، حکومت افغانستان را فاسد و بی کفایت خواندند که نسبت به جهاد و ارزش های جهادی و دینی مردم افغانستان بی اعتنایی نموده و حقوق مجاهدین را ضایع ساخته است. آنان از درماندگی و انفعال حکومت در برابر حل مشکلات مردم و ناتوانی در پاسخگویی به خواست های بر حق ملی انتقاد کرده خواهان تغییر وضعیت اسفناک کنونی با انتخاب یک زعیم جدید گردیدند.

در پایان این اجتماع عظیم آقای فاضل سانچارکی سخنگوی جبهه ملی به نمایندگی از داکتر عبدالله از احساسات حضار و حمایت همه جانبه شان از نامزدی وی تشکر کرد و گفت، که حضور پرشکوه شما و شور و احساسات تان، کاروان پیروز داکتر عبدالله را به سرمنزل مقصود می رساند. سانچارکی گفت از این که شما با ابتکار خودتان این محفل عظیم را دایر کرده و از داکتر صاحب عبدالله حمایت کرده اید جای بسی خوشی و قدردانی است و نشان می دهد که مردم ما نسبت به سرنوشت سیاسی خود حساس اند و تصمیم گرفته اند که ارادهٔ ملی خود را علی رغم تلاش های توطیه آمیز دشمنان افغانستان به نمایش بگذارند.

سانچارکی گفت داکتر صاحب عبدالله علاقه داشت در این جمع حضور یابد و با شما سخن بگوید اما متأسفانه مصروفیت های زیاد مانع از این کار شد و ایشان به من وظیفه سپردند تا به نمایندگی از ایشان خدمت شما عرض کنم که داکترعبدالله، صدای احساس و همدلی شما را شنیده و از حمایت خالصانه شما از خود سپاسگذار است و با شما تعهد می کند که برای تحقق آرزوهایتان و آرزوهای همه ملت افغانستان مساعی بیشتری به خرج دهد. این محفل با شکوه با دعای خیر و فلاح مردم افغانستان به پایان رسید

دولسمشرۍ راتلونکي ټولټاکنې دمهاجرینو له ګډون پرته

شفیق



دبن دپریکړې په نتیجه کې دلنډمهاله او منځمهاله واکمنیو په تعقیب دادی ددوهم ځل لپاره زمونږ په هیواد کې د ولسمشرۍ دټولټاکنو لپاره تابیا یتول کیږي، اساسي قانون چې د بن د پریکړو په نتیجه کې دراغلي نظام یوه مهمه لاسته راوړنه وه، د هیواد ټولواتباعوته حق ورکوي چې دټولټاکنو په پروسو کې برخه واخلي که هغه د ولسمشرۍ ټولټاکنې وي او که هغه پارلماني ټاکنې، ځکه د اساسي قانون دري دیرشمه او یو شپیتمه مادې ټولټاکنې د ټولو افغانانو حق ګڼي، یا د آساسي قانون دري دیرشمه ماده وایي:(دافغانستان اتباع دانتخابولو او انتخابیدلو حق لري) او بیا وریسې فقره یې وایي چې:(له دې حق څخه ګټې اخستو شرایط اولاړې دقانون له لیارې تنظیمیږي). همدارنګه په دریم فصل کې چې دجمهور رئیس ترعنوان لاندې یکې یوولس بنیادي مادې راغلي په یوشپیتمه ماده کې لومړۍ فقره وایي چې:(جمهور رئیس در راي ورکوونکیو د آزادو، عمومي، پټو او مستقیمو رایو له لارې په سلوکې ترپنځوسو زیاتو رایو په ترلاسه کولو انتخابیږي)

او همدارنګه بیا همدغه متن دیو لږتوپیر سره د ملي شورا په فصل کې د دغې شورا (ولسي جرګې او مشرانو جرګې) د غړود ټاکلو د تګلارې په بیان کې راغلې لکه چې دري اتیایمه ماده وایي:(د ولسي جرګې غړي د خلکو دآزادو،عمومي، پټو او مستقیمو انتخاباتو له لارې انتخابیږي.

پاتې په ۷ مخ